

خود-کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی

اکبر علیوردی‌نیا*، صالح صالح‌نژاد**

چکیده: الگوها و سبک‌های متفاوت جرم نشان می‌دهد که جرم پدیده جنسیتی است. مطالعه حاضر با هدف تبیین شکاف‌های جنسیتی در رفتارهای انحرافی با استفاده از نظریه عمومی جرم به بررسی نقش خود-کنترلی در رفتارهای انحرافی پسران و دختران می‌پردازد. تحقیق حاضر با روش پیمایشی و با نمونه آماری ۴۲۰ نفری از دانشجویان دانشگاه ارومیه که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ مشغول به تحصیل می‌باشند به اجرا در آمده است. نتایج آزمون تفاوت میانگین نشان می‌دهد که دسترسی به فرصت انحرافی و مشارکت در رفتارهای انحرافی دو جنس با هم‌دیگر اختلاف معناداری دارد و میانگین خود-کنترلی دو جنس نیز با آنکه با هم‌دیگر متفاوت بوده‌اند، اختلاف‌شان معنادار نبوده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که سه متغیر خود-کنترلی، فرصت انحرافی و جنس پاسخ‌گویان، به‌طور معناداری بر مشارکت در رفتارهای انحرافی آنان تأثیرگذار می‌باشد. در میان سه متغیر اصلی این پژوهش، متغیر خود-کنترلی، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رفتارهای انحرافی دختران و پسران بوده است.

واژگان کلیدی: خود-کنترلی، فرصت انحرافی، جنسیت، رفتارهای انحرافی، جرم.

مقدمه و طرح مسأله

درک و فهم ماهیت جنسیتی انحراف به نمونه‌ای از دستاوردها و چالش‌های مطالعه‌ی رفتار منحرفانه در قرن ۲۱ بدل شده است. برای مثال، آشکارسازی هم‌پستگی بین مردانگی^۱ و رفتار مجرمانه و فهم ماهیت جرایم زنانه نمونه‌ای از این دستاوردها و مباحث بوده است (هفتگات^۲، ۲۰۰۸: ۴۱-۴۰). این امر به‌علت نرخ‌ها و الگوهای متفاوت مشارکت دوجنس در جرم می‌باشد. الگوها و سبک‌های جرم، به‌طور پیوسته نشان داده‌اند که جرم یک پدیده‌ی جنسیتی است (استفنسمیر و آلان^۳، ۱۹۹۶). همچنین، تحقیقات حکایت از آن دارند که

* aliverdinia@umz.ac.ir

** salehumz@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۲۳

^۱. Masculinity

^۲. Helfgott

^۳. Steffensmeier & Allan

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱

جنسیت یکی از هم‌بسته‌های قوی بزهکاری جوانان می‌باشد (پی‌کیورو^۱ و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۵۱؛ هفتگات، ۲۰۰۸: ۳۸). در این راستا، تحلیل آمارهای مربوط به جرم نشان می‌دهد، با وجود این که نرخ‌های مشارکت زنان در جرایم افزایش یافته، اما به‌طور کلی، وضعیت زنان از لحاظ مشارکت در جرم در سطحی بسیار پایین‌تر از مردان قرار دارد (ویتو^۲ و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۲۸). به‌عنوان مثال، نتایج یکی از تحقیقات اخیر نشان داده است که زنان حدود ۲۴ درصد از دستگیرشدگان و فقط ۷ درصد از زندانیان زندان‌های ایالتی و ملی ایالات متحده آمریکا را تشکیل داده‌اند (دی‌گل^۳ و همکاران، ۲۰۰۷). علی‌رغم اینکه ارتباط بین جرم و جنسیت برای دوره‌ی زمانی زیادی از تاریخ به‌دست فراموشی سپرده شده بود (هفتگات، ۲۰۰۸: ۳۸) فهم این ارتباط به‌عنوان یکی از اهداف اساسی تحقیقات امروزی محسوب می‌شود (کرن کوویچ و گیوردانو^۴، ۱۹۹۷). با این حال مطالعات نظری و تجربی اندکی، اهمیت جنسیت را مورد توجه قرار داده‌اند (نوفزیگر^۵، ۲۰۱۰: ۲۹).

نظریه‌ی عمومی جرم گات‌فردسن و هیرشی^۶ (۱۹۹۰) یکی از تئوری‌هایی است که در قالب نظریه خود-کنترلی به تبیین شکاف‌های جنسیتی می‌پردازد. توجه به نقش جنسیت در این تئوری موجب علاقه‌مندی بسیاری از پژوهشگران به این نظریه شده است (چاپل و کاترین^۷، ۲۰۰۷: ۲۲۲). بر اساس این نظریه، دختران به‌علت تأثیرپذیری از الگوهای متفاوت جامعه‌پذیری، از خود-کنترلی بالاتری نسبت به پسران برخوردار هستند. نتیجه خود-کنترلی بالای دختران، دسترسی کم‌تر به فرصت‌های انحرافی و در نهایت نرخ‌ها و الگوهای متفاوت جنسیتی مشارکت در رفتارهای منحرفانه می‌باشد. با این وجود، نقش جنسیت در ادبیات این تئوری تا حدودی حل نشده و غیر شفاف است (هایگینز و تکسبوری^۸، ۲۰۰۶: ۴۸۰). برای مثال، پژوهش‌های پیشین تا حدودی نشان داده‌اند که خود-کنترلی تبیین‌های اندکی را برای شکاف‌های جنسیتی مشارکت در جرم موجب شده است (نوفزیگر، ۲۰۱۰: ۳۱). این تحقیقات نشان داده‌اند که جنسیت و خود-

1. Piquerol

2. Vito

3. Daigle

4. Cernkovich, S. A., & Giordano

5. Nofziger

6. Gottfredson & Hirschi

7. Chapple & Katrin

8. Higgins & Tewksbury

خود-کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی ۷

کنترلی بر حسب زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی گوناگون افراد مورد مطالعه، نقش‌های متفاوتی را در تبیین رفتارهای انحرافی ایفا کرده‌اند.

هدف مطالعه حاضر این است که با استفاده از نظریه‌ی عمومی جرم، علاوه بر تبیین شکاف‌های جنسیتی در رفتارهای انحرافی، به تعیین و تشریح سهم هر یک از متغیرهای اصلی این نظریه در این‌گونه رفتارها بپردازد. بر همین اساس، مطالعه تفاوت‌های جنسیتی در خود-کنترلی و مشارکت در رفتارهای انحرافی از یک‌سو و از سوی دیگر عوامل مؤثر در بروز رفتارهای انحرافی بر حسب نظریه خود-کنترلی می‌تواند علاوه بر تبیین چرایی تفاوت دو جنسیت در خویشتن‌داری، به شفاف‌سازی اثرات خود-کنترلی و جنسیت در بروز رفتارهای انحرافی کمک کند. بدین خاطر، سؤالات اصلی این تحقیق بدین شرح مطرح می‌شوند که:

۱) آیا بین دختران و پسران از لحاظ میزان خود-کنترلی، فرصت و رفتارهای انحرافی تفاوت اساسی وجود دارد؟

۲) سهم هر یک از متغیرهای اصلی نظریه خود-کنترلی، در رفتارهای انحرافی چقدر می‌باشد؟

مروری بر تحقیقات پیشین

برخلاف توجهات تئوریک و پژوهش‌هایی که در خارج از کشور در مورد تفاوت‌های جنسیتی در خود-کنترلی، فرصت و تأثیر آن بر روی رفتارهای انحرافی انجام شده است، از آنجا که در داخل کشور هیچ گزارشی در این مورد یافت نشد، لذا در این جا فقط به برخی از تحقیقات خارجی اشاره می‌شود.

در مطالعه‌ای که بورتون^۱ و همکارانش (۱۹۹۸) انجام داده‌اند، بدین نتیجه رسیدند که رابطه بین جنسیت و جرم زمانی که خود-کنترلی وارد تجزیه و تحلیل شده، غیر معنی‌دار شده است. علاوه بر آن، این مطالعه نشان داده است زمانی که مردان و زنان به‌طور جداگانه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، اثر خود-کنترلی اگرچه برای مشارکت زنان و مردان در جرم متفاوت بوده، با این حال این اثر مهم و معنی‌دار بوده است. در تحقیقی که لانگ‌شور^۲ (۱۹۹۸) با عنوان «خودکنترلی و فرصت مجرمانه» انجام داد، با توجه به رویکرد آزمون تئوری عمومی جرم، مشخص شد که جرایم مالی و جرایم شخصی در میان مجرمان دارای خود-کنترلی پایین و

1. Burton

2. Longshore

دارای سطوح بالایی از فرصت، امری متداول و شایع می‌باشد. همچنین، در این تحقیق تعامل معناداری مابین خود-کنترلی و میزان فرصت ملاحظه شده است. به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش مؤید تأثیر خود-کنترلی بر رفتارهای مجرمانه می‌باشد و عنوان کرده که اثر خود-کنترلی تا اندازه‌ی کمی به فرصت مجرمانه بستگی داشته است.

نتایج تحقیق نخعی^۱ و همکارانش (۲۰۰۰) قویاً تئوری عمومی جرم گات‌فردسن و هیرشی -را که مدعی بوده خود-کنترلی پیش‌بینی‌کننده‌ی مهم و قوی همه‌ی اشکال بزهکاری می‌باشد- را تأیید می‌کند. همچنین، در میان ابعاد گوناگون خود-کنترلی، خطرپذیری بعد از شتاب‌زدگی به نسبت سایر ابعاد این متغیر بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را داشته است. علاوه بر آن، این مطالعه نشان داده است که متغیرهای جنسیت، سن و قومیت حتی بعد از کنترل اثر متغیرهای خود-کنترلی و کنترل اجتماعی از ارتباطی معنادار با بزهکاری برخوردار بوده‌اند.

در تحقیق دیگری که تایتل^۲ و همکارانش (۲۰۰۳) بر روی نمونه‌ای متشکل از ۳۵۰ نفر از افراد ۱۸ سال به بالا در یک شهر واقع در جنوب غرب ایالات متحده انجام داده‌اند، نشان داده شد که خود-کنترلی نه تنها تغییرات کج‌رفتاری را پیش‌بینی می‌کند، بلکه هم‌بستگی‌های میان جنسیت، سن و ابعاد جرم / انحراف را نیز تبیین کرده است. هایگینز و رایکتس^۳ (۲۰۰۴) معتقدند که نقش آزادی (انگیزش منفی) و فرصت در تئوری خود-کنترلی غیر شفاف می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آزادی و نیز میزان فرصت، به‌عنوان سنجه‌ی مناسب تعدیل‌کننده در تئوری خود-کنترلی نبوده‌اند و آزادی به نسبت فرصت، بهترین سنجه‌ی واسط و میانجی در این مدل علی می‌باشد. هایگینز و تکسبوری^۴ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای تفاوت میانگین در خود-کنترلی، رفتارهای پر خطر و ابعاد بزهکاری را نشان داده‌اند. نتایج تحلیلی بر اساس مدل معادلات ساختاری نیز، مؤید مدل علی گات‌فردسن و هیرشی برای مشارکت در جرم از سوی زنان و مردان می‌باشد. دیلیسی و همکارانش^۵ (۲۰۱۰) معتقدند که شخصیت و جنسیت در تئوری خود-کنترلی گات‌فردسن و هیرشی، دو مسئله حل نشده و غیر شفاف می‌باشد. ایشان در تحقیقی مشاهده کرده‌اند که زندانی‌های دارای

1. Nakhaie

2. Tittle

3. Higgins & Ricketts

4. Higgins & Tewksbury

5. Delisi

خود-کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی ۹

خود-کنترلی پایین مرتکب سطوح بالایی از کجرفتاری نهادی شده‌اند. با این حال، خود-کنترلی فقط کجرفتاری سه مدل از ده مدل چند متغیره و فقط کجرفتاری مردان را پیش‌بینی کرده است. نوفزیگر^۱ (۲۰۱۰)، در مقاله خویش با عنوان «رابطه‌ی بین خود-کنترلی و انحراف» به مطالعه‌ی شکاف جنسیتی در مشارکت در جرم پرداخته است. محقق بدین نتیجه رسیده که هویت جنسیتی ارتباط قوی‌ای با جنسیت، خود-کنترلی و شرکت در رفتار انحرافی دارد. به‌طور دقیق‌تر، زنانگی با خود-کنترلی بیشتر هم‌بسته بوده و هر دو متغیر (هویت زنانگی و خود-کنترلی)، حتی زمانی که متغیر جنسیت کنترل شده، می‌تواند رفتار انحرافی را پیش‌بینی کند. در مقابل، هویت مردانگی هیچ اثری بر رفتار انحرافی نداشته است. به‌طور کلی، تحقیقات صورت گرفته در حوزه‌ی خود-کنترلی، از سه رویکرد زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بوده‌اند. با این حال، وزن بیش‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به‌نسبت بیشتر می‌باشد. بیش‌تر داده‌های پژوهش‌های جامعه‌شناختی، از میان جوانان و بزرگسالان و از طریق پیمایش‌های مقطعی-با استفاده از پرسش‌نامه‌های چند-گزینه‌ای و پرسش‌نامه‌های حاوی سناریوهای فرضی- و داده‌های ثانویه، به دست آمده است. همچنین، تأکید و تمرکز بر ابعاد اجتماعی خود-کنترلی همانند فرصت‌های اجتماعی مشارکت در جرم، کنترل اجتماعی متفاوت ناظر بر جنسیت زنان و مردان، یا انگیزش‌های اجتماعی دو جنسیت برای شرکت در رفتارهای انحرافی از نکات جالب و قابل توجه تحقیقات جامعه‌شناختی خود-کنترلی می‌باشد.

چهارچوب نظری

جدیدترین نسخه‌ی نظریه کنترل اجتماعی مربوط به میشل گات‌فردسن و هیرشی است که با عنوان «تئوری عمومی جرم» معروف به نظریه خود-کنترلی مورد توجه قرار می‌گیرد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۸۳: ۲۱۱). این رویکرد بینش تئوریک موثری را در جرم‌شناسی با بیش از ۲۰۰۰ رفرنس و تعداد زیادی از مطالعات تجربی فراهم آورده است (دیلیسی^۲ و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۶).

این تئوری نماینده‌ی ایده کلاسیک می‌باشد که مدعی است جرم نتیجه ماهیت لجام گسیخته انسان آنی طلب (هیجان طلب) برای افزایش لذت و دوری از سختی و درد است (والش و همنس^۳، ۲۰۰۸: ۱۵۵).

^۱. Nofziger

^۲. Delisi

^۳. Walsh & Hemmens

بر همین اساس، به‌زعم گات فردسن و هیرشی (۱۹۹۰) افراد، عقلانی هستند و گرایش به انجام کارهای خشنود کننده و پرهیز از کارهای دردآور دارند. بنابراین، زمانی که افراد ملاحظه کنند که لذت یک رفتار، بیش از دردهای آن است، گرایش به ارتکاب آن رفتار پیدا می‌کنند. بر اساس تعریف این نویسندگان، جرم رفتاری زورمندانه یا فریب‌کارانه است که فرد آن را برای تعقیب منفعت شخصی‌اش به‌دلیل لذت بالقوه‌ای که برایش فراهم می‌آورد، انجام می‌دهد (گات فردسن و هیرشی، ۱۹۹۰: ۱۵). گات فردسن و هیرشی اظهار داشته‌اند که جرایم با ویژگی‌هایی همچون، خشنودی فوری، سادگی، راحتی و هیجان هم‌بسته است. به‌خاطر این ویژگی‌ها است که افراد جذب مشارکت در این‌گونه رفتارها می‌شوند (هایگینز و تکسوری، ۲۰۰۶).

بنا به تئوری عمومی جرم، جرایم و رفتارهای شبیه به آن، در افرادی که فاقد خود-کنترلی هستند با احتمال زیاد بروز می‌کند. این افراد در مقابل لحظات اغواء و وسوسه کننده، آسیب‌پذیر هستند (گات فردسن و هیرشی، ۱۹۹۰: ۸۷). مطالعات تجربی نیز مؤیدهایی را برای ادعای گات فردسن و هیرشی فراهم آورده است که خود-کنترلی پایین با جرم یا انحراف همبستگی دارد (هایگینز و رایکتس^۱، ۲۰۰۴: ۷۷؛ ویتو و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۸۹).

ویژگی‌های افراد دارای خود-کنترلی پایین آنی بودن، غیرحساس بودن، فیزیکی بودن (در نقطه مقابل گفتمانی بودن)، خطرپذیری، کوتاه بینی و غیرکلامی بودن می‌باشد (همان: ۹۰). بدین ترتیب آن‌ها گرایش به شرکت در اعمال مجرمانه یا رفتارهای شبیه به آن پیدا می‌کنند. همچنین این افراد، گرایش به بی‌ثباتی در زندگی زناشویی، روابط دوستی و منافع شغلی دارند. بدین خاطر آن‌ها به برخورداری از منافع سطحی و عدم رغبت به تعقیب کسب و کار بلند مدت سوق داده می‌شوند (والش و همسن، ۲۰۰۸: ۱۷۲). خود-کنترلی ویژگی نسبتاً پایداری است که در اوایل دوران اجتماعی شدن کودکان - قبل از ۸ سالگی - توسعه می‌یابد و بعد از ۸ سالگی در سراسر دوران بزرگسالی ثابت و پایدار می‌ماند (هایگینز و رایکتس، ۲۰۰۴: ۷۷). همانند رویکرد نظریه‌ی کنترل، گات فردسن و هیرشی بیان داشته‌اند که انسان‌ها بدون خود-کنترلی به دنیا می‌آیند. از این‌رو، خود-کنترلی محصول عوامل اجتماعی، به‌ویژه تربیت خانوادگی می‌باشد. با وجود آن‌که، پژوهش‌های اخیر در باب علل خود-کنترلی، بر منابع خانوادگی، فراخانوادگی و بیولوژیکی تاکید داشته‌اند (چاپل و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۱۲۳).

¹. Higgins & Ricketts

خود-کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی ۱۱

گات فردسن و هیرشی (۱۴۹-۱۴۷:۱۹۹۰) اظهار کرده‌اند که والدین وظایف متفاوتی را در قبال پسران و دختران‌شان به‌کار می‌گیرند. بر همین اساس است که تفاوت‌های پایدار و بزرگی بین مشارکت در جرم مردان و زنان بر اساس مفهوم خود-کنترلی به‌وجود می‌آید. این تفاوت‌های جنسیتی در اوایل دوران زندگی به‌وجود آمده و در طول زندگی افراد پایدار می‌مانند. همچنین، این تفاوت‌ها شبیه به الگوهای هم‌بسته با ویژگی‌های خود-کنترلی می‌باشند. در واقع این‌گونه تفاوت‌های جنسیتی بر پایه‌ی تربیت خانودگی متفاوت در قبال دو جنسیت صورت می‌گیرد. بدین صورت که اعمال و نقش‌های متفاوت والدین بر اساس جنسیت فرزند، موجب ایجاد تنوع در نظارت مستقیم و تجربه‌های اجتماعی شدن فرزندان می‌شود. به بیانی دقیق‌تر، والدین از آنجایی که بیم آن دارند که عواقب بزهکاری، زیان به‌مراتب بیش‌تری را برای دختران نسبت به پسران، به همراه داشته باشد، گرایش زیادی به نظارت دقیق فرزندان مؤنث‌شان دارند. به‌وسیله نظارت دقیق فرزند مؤنث، والدین علاقه به گردآوری اطلاعات بیشتر راجع به رفتار انحرافی و اعمال مجازات این‌گونه از رفتارهای فرزند مؤنث، برای اصلاح رفتار وی، بیش‌تر از آنچه آن‌ها در قبال فرزند مذکر انجام می‌دهند، پیدا می‌کنند (هایگینز و تکسبوری، ۲۰۰۶: ۴۸۳). بدین ترتیب، تربیت متفاوت والدین در قبال جنسیت فرزند، علاوه بر ایجاد خود-کنترلی متفاوت بر اساس جنسیت کودک، موجب دسترسی کودک به فرصت‌های مجرمانه بر اساس جنسیت وی نیز می‌شود.

به‌زعم گات فردسن و هیرشی، زمانی که والدین غیر مؤثر واقع شوند و کارهای مدیریتی والدگری را نتوانند اجرا کنند، خود-کنترلی پایین را بنیان‌گذاری کرده‌اند. خود-کنترلی پایین زمانی که با فرصت عجز شود، موجب افزایش احتمال ارتکاب رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه می‌شود (همان: ۴۷۹). از این‌رو، جرم محصول اجتماع افراد دارای خود-کنترلی پایین با فرصت مجرمانه است و به‌واسطه جایگاه متفاوت در ساختار اجتماعی، بعضی افراد دسترسی بیشتری به فرصت‌های مجرمانه نسبت به سایرین دارند (والش و همنس، ۲۰۰۸: ۱۵۶). به‌نظر نظریه‌پردازان تئوری عمومی جرم (۲۰۰۳) فرصت ارتکاب جرم، بزهکاری و رفتارهای پرخطر، برای هر کسی در همه جا وجود دارد و هر کسی هم می‌تواند و هم توانایی ارتکاب جرم را دارد.

تفاوت‌های جنسیتی بر اساس خود-کنترلی و دسترسی به فرصت انحرافی در تئوری عمومی جرم یکی از پایه‌های اساسی این نظریه می‌باشد. پیش‌بینی‌های به‌عمل آمده از این تفاوت‌ها حاکی از آن است که خود-کنترلی دختران بیشتر از پسران است و دختران فرصت‌های کمی برای مشارکت در انحرافات دارند که

منجر به شکاف جنسیتی اساسی در این زمینه می‌شود. این پدیده به‌علت اینکه والدین وظایف والدگری متفاوتی را در قبال پسران و دختران ایفا می‌کنند، رخ می‌دهد. به بیانی دیگر، خود-کنترلی متفاوت و دسترسی به فرصت‌های مختلف دو جنس، نتیجه اجتماعی شدن جنسیتی است. اجتماعی شدن جنسیتی فرآیندی است که طی آن «کودکان توانایی‌ها، ارزش‌ها و انگیزش‌هایی» را درونی می‌کنند (گرسون^۱، ۱۹۸۵: ۳۰) که در تناسب با مقتضیات فرهنگی و زمانی مربوط به جنسیت‌شان می‌باشد.

فرضیه‌های تحقیق

- میزان خود-کنترلی دختران بیش‌تر از پسران است.
- میزان فرصت‌های انحرافی پسران بیش‌تر از دختران می‌باشد.
- میزان مشارکت در رفتارهای انحرافی پسران بیش‌تر از دختران است.
- افزایش خود-کنترلی موجب کاهش رفتارهای انحرافی می‌شود.
- افزایش فرصت‌های انحرافی موجب افزایش رفتارهای انحرافی می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

روش مطالعه در این پژوهش، پیمایشی^۲ است. در این تحقیق، به اقتضای ماهیت کار، طرح تحقیق از نوع مقطعی انتخاب شد. با توجه به این‌که این پژوهش درصدد بررسی تفاوت میزان خود-کنترلی، فرصت انحرافی و رفتارهای انحرافی بر حسب جنسیت و شناخت نقش خود-کنترلی و دیگر متغیرهای میانجی بر رفتارهای انحرافی دانشجویان می‌باشد و متغیرها در سطح فرد مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نتایج نیز در همین سطح توصیف و تحلیل شده‌اند. در ضمن کلیه مراحل پردازش، از طریق بسته نرم افزاری SPSS انجام شده است.

جمعیت تحقیق و شیوه نمونه‌گیری

جمعیت تحقیق این پژوهش عبارت است از کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه ارومیه که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ مشغول به تحصیل بوده‌اند. با توجه به برآورد دواس از حجم نمونه توسط پاره‌ای از

^۱. Gerson

^۲. Survey

خود-کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی ۱۳

ویژگی‌ها مثل همگنی جمعیت و میزان خطای نمونه‌گیری پنج درصد، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای جمع‌آوری اطلاعات مناسب تشخیص داده شد (دواس، ۱۳۷۶: ۷۸). با این حال، در نهایت ۴۴۰ پرسشنامه در میان دانشجویان، تکثیر و توزیع گردید و سرانجام، پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، ۴۲۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نمونه‌ی آماری این تحقیق نیز به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی صورت گرفته است.

ابزار تحقیق

در این پژوهش که با تکنیک پرسش‌نامه‌ی خود-اجرا انجام شد، از مقیاس‌های خود-کنترلی، فرصت انحرافی و رفتارهای انحرافی استفاده گردید. جهت برآورد اعتبار^۱ تمامی متغیرهای پرسش‌نامه پژوهش از روش اعتبار محتوا^۲ و همچنین برای بررسی اعتبار متغیر وابسته از اعتبار سازه^۳ استفاده شده است. در این شیوه، ارزیابی سنج بر حسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت می‌گیرد (دواس، ۱۳۷۶: ۶۴). بر اساس آزمون مقایسه میانگین دو گروه، مشاهده شد که میانگین رفتارهای انحرافی پسران (در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰)، بیش‌تر از میانگین رفتارهای انحرافی دختران می‌باشد. این یافته مطابق با تحقیقات دنگ^۴ (۱۹۹۴) و تایتل و همکاران^۵ (۲۰۰۳) می‌باشد که نشان داده‌اند پسران بیشتر از دختران در رفتارهای انحرافی مشارکت می‌کنند. همچنین، در این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش روایی^۶ ابزار تحقیق استفاده گردید. در این تحقیق، ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های خود-کنترلی، فرصت و رفتارهای انحرافی، به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۲ و ۰/۷۸ - شده است.

تعریف مفاهیم و سنجش متغیرها

مفهوم رفتارهای انحرافی

رفتارهای انحرافی به تمامی اعمالی گفته می‌شود که برخلاف هنجارها و نُرْم‌های اجتماعی از افراد سر می‌زند (ساروخانی، ۱۳۷۰) علاوه بر آن، این رفتارها، غیرعادی، آزارنده، غیراخلاقی، مضر و سزاوار سرزنش در

1. Validity

2. Content Validity

3. Construct Validity

4. Deng

5. Tittle

6. Reliability

نظر گرفته می‌شوند (ویتزر، ۲۰۰۲: ۲). در این تحقیق به منظور سنجش عملی متغیر رفتارهای انحرافی، پنج بعد در نظر گرفته شد و در مجموع از ۱۳ گویه برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم رفتارهای انحرافی استفاده شده است که بر مبنای برخی تحقیقات (پسو^۱ و همکاران، ۲۰۰۶؛ یاردلی^۲ و همکاران، ۲۰۰۹؛ راولس^۳ و همکاران، ۲۰۰۴؛ کولنرود^۴ و همکاران، ۲۰۰۹؛ کلین^۵ و همکاران، ۲۰۰۷؛ دیوی^۶ و همکاران، ۲۰۰۷؛ مگهی و اسپیک^۷، ۲۰۰۸؛ نویس^۸ و اونس اسویت، ۱۹۹۸)؛ شش گویه به بعد تقلب تخصیص یافته است؛ بر اساس برخی پژوهش‌های انجام شده (واسونی^۹ و همکاران، ۲۰۰۱؛ واسونی و بلیستون^{۱۰}، ۲۰۰۷) دو گویه مربوط به بعد دزدی؛ دو گویه مربوط به مصرف مواد (مخدر) (ویکستروم و بوتورث^{۱۱}، ۲۰۰۶؛ بوث^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۸؛ واسونی و همکاران، ۲۰۰۱؛ واسونی و بلیستون^{۱۳}، ۲۰۰۷)؛ یک گویه مربوط به مصرف مشروبات الکلی و دو گویه نیز بر پایه تحقیق (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۸) به کجروی‌های جنسی تخصیص یافته است.

مفهوم خود - کنترلی

خود-کنترلی^{۱۴} به معنای توانایی افراد در محدود ساختن خودشان در رویارویی با وسوسه‌های ارتکاب جرم است (گات فردسن و هیرشی، ۱۹۹۰). برای این مفهوم، مقیاس ۲۴ گویه‌ای که توسط گراسمیک^{۱۵} و همکارانش (۱۹۹۳)، برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم خود-کنترلی استفاده شده، مورد استفاده قرار گرفت. این متغیر شامل ۶ بعد شتاب‌زدگی، پشتکار، خطرپذیری، ترجیح فعالیت‌های جسمانی، خود محوری و ابراز خشم می‌باشد. برای مثال برای سنجش بعد شتاب‌زدگی متغیر از گویه‌هایی مانند «من برای آینده‌ام فکر و تلاش زیادی نمی‌کنم»، برای بعد پشتکار از گویه‌هایی نظیر «وقتی که کارها سخت و دشوار می‌شوند، دلم می‌خواهد که از آن کارها دست بکشم» یا برای سنجش بعد ابراز خشم متغیر خود-کنترلی از گویه‌هایی

1. Passow

2. Yardley

3. Rawwas

4. Colnerud & Rosander

5. Klein

6. Davy

7. Megehee & Spake

8. Nonis

9. Vazsonyi

10. Nonis & Owens Swift

11. Wikstrom & Butter worth

12. Booth

13. Vazsonyi & Belliston

14. Self - Control

15. Grasmick

خود-کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی ۱۵

همانند «من خیلی زود از کوره در می‌روم»، (گراسمیک و همکاران، ۱۹۹۳؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۸۸؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۸۹)، بهره گرفته شده است.

مفهوم فرصت

فرصت^۱ به معنای دسترسی یا تسهیلات ابزاری انجام رفتار است (هایگینز و رایکتس، ۲۰۰۴: ۸۲). به عبارتی، فرصت‌های رفتار مجرمانه، مجموعه‌ای از پیشامدهایی است که برای وقوع جرم مساعد و مطلوب می‌باشد (گات فردسن و هیرشی، ۲۰۰۳). بر مبنای تحقیقات (وسونی و همکاران، ۲۰۰۱؛ ویکستورم و بوتورث، ۲۰۰۶؛ هاردینگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۷)، این متغیر به چهار بعد رسمی، غیر رسمی، واقعی و ادراکی تقسیم می‌شود که برای سنجش این ابعاد چهارگانه، ۱۳ گویه استفاده شده است. در حالی که بعد رسمی فرصت‌های انحرافی اشاره به مجموعه تسهیلاتی دارد که از سوی نهادهای قانونی و رسمی برای مشارکت در رفتار انحرافی در نظر گرفته شده، فرصت‌های غیر رسمی به معنای موقعیت‌هایی است که از سوی نهادهای غیر رسمی - همانند خانواده یا دوستان - فرد را در جریان شرکت در چنین رفتارهایی قرار می‌دهد. هم‌چنین، بعد واقعی فرصت‌های انحرافی به مجموع مسیرها و فعالیت‌های منتهی به رفتارهای انحرافی‌ای گفته می‌شود که در عالم واقع و در جریان کنش‌های عادی فرد برای وی فراهم می‌گردد. در نهایت، بعد ادراکی فرصت‌های انحرافی قرار دارد که در معنای برآوردهای ذهنی فرد بر اساس هنجارهای اجتماعی‌اش به منظور ارتکاب اعمال مجرمانه می‌باشد. به عنوان مثال، برای سنجش بعد فرصت‌های غیر رسمی گویه‌هایی همانند «خانواده‌ام می‌دانند که با کدام یک از دوستانم معاشرت می‌کنم»؛ یا برای سنجش بعد ادراکی فرصت انحرافی گویه‌های نظیر «اگر من روزی مواد یا مشروبات الکلی، مصرف کنم، بیشتر افرادی که برایم مهم هستند (خانواده‌ام، دوستان، و ..) از رفتارم دلخور می‌شوند» مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های توصیفی

توزیع پاسخ‌گویان بر حسب خود-کنترلی

خود کنترلی به معنای توان افراد در محدود ساختن خویش است. در این تحقیق، برای ساختن متغیر خود-کنترلی، ابتدا گویه‌های این مقیاس ترکیب شده و سپس رتبه‌بندی شده‌اند. بر اساس داده‌های گزارش

1. Opportunity

2. Harding

شده در جدول ۱، حدود ۶۰ درصد از پاسخ‌گویان، خود-کنترلی خویش را در حد متوسط و ۳۰/۲ درصد (۱۲۷ نفر) در حد زیاد گزارش کرده‌اند. بر همین اساس، می‌توان گفت که بیش از ۹۰ درصد پاسخ‌گویان خود-کنترلی متوسط به بالایی داشته‌اند. این در حالی است که تنها ۹/۳ درصد (۳۹ نفر) از دانشجویان خود-کنترلی خود را کم گزارش کرده‌اند.

جدول شماره (۱): توزیع پاسخ‌گویان بر حسب خود-کنترلی

| جمع | | زن | | مردان | | جنسیت |
|------|-------|------|-------|-------|-------|------------------|
| درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | میزان خود-کنترلی |
| ۹/۳ | ۳۹ | ۸/۳ | ۱۸ | ۱۰/۳ | ۲۱ | پایین |
| ۶۰/۵ | ۲۵۴ | ۵۹/۹ | ۱۳۰ | ۶۱/۱ | ۱۲۴ | متوسط |
| ۳۰/۲ | ۱۲۷ | ۳۱/۸ | ۶۹ | ۲۸/۶ | ۵۸ | بالا |
| ۱۰۰ | ۴۲۰ | ۱۰۰ | ۲۱۷ | ۱۰۰ | ۲۰۳ | جمع |
| ۲/۲۱ | | ۲/۲۳ | | ۲/۱۸ | | میانگین |

داده‌های مقایسه‌ای بر حسب جنسیت پاسخ‌گویان نشان می‌دهند، در حالی که میزان خود-کنترلی در میان دو گروه تفاوت اساسی با هم‌دیگر ندارد، با این حال خویشتن‌داری دختران کمی بالاتر از پسران می‌باشد. برای مثال، میزان خود-کنترلی در حد زیاد برای پسران ۲۸/۶ درصد گزارش شده، در صورتی که این مقدار برای دختران ۳۱/۸ درصد می‌باشد.

توزیع پاسخ‌گویان بر حسب دسترسی به فرصت‌های انحرافی

جدول شماره (۲): توزیع پاسخ‌گویان بر حسب فرصت‌های انحرافی

| جمع | | زن | | مردان | | جنسیت |
|------|-------|------|-------|-------|-------|------------------------|
| درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | میزان فرصت‌های انحرافی |
| ۳۷/۶ | ۱۵۸ | ۵۵/۸ | ۱۲۱ | ۱۸/۲ | ۳۷ | پایین |
| ۵۷/۱ | ۲۴۰ | ۴۴/۲ | ۹۶ | ۷۰/۹ | ۱۴۴ | متوسط |
| ۵/۲ | ۲۲ | ۰ | ۰ | ۱۰/۸ | ۲۲ | بالا |
| ۱۰۰ | ۴۲۰ | ۱۰۰ | ۲۱۷ | ۱۰۰ | ۲۰۳ | جمع |
| ۱/۶۸ | | ۱/۴۴ | | ۱/۹۳ | | میانگین |

منظور از این متغیر، دسترسی پاسخ‌گویان به فرصت‌های شرکت در رفتارهای انحرافی می‌باشد. برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم فرصت انحرافی، ابتدا گویه‌های مربوط به چهار بعد رسمی، غیر رسمی، واقعی و ادراکی با هم ترکیب شده و پس از هم ارز شدن، رتبه‌بندی شده‌اند. یافته‌های جدول شماره ۲ نشان می‌دهد

خود-کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی ۱۷

که ۳۷/۶ درصد از پاسخ‌گویان دسترسی کمی به فرصت‌های انحرافی دارند، این در حالی می‌باشد که فقط ۵/۲ درصد از پاسخ‌گویان به فرصت‌های انحرافی بالایی دسترسی داشته‌اند. حدود ۹۵ درصد پاسخ‌گویان فرصت‌های متوسط رو به پایینی را برای شرکت در رفتارهای انحرافی داشته‌اند. داده‌های تفکیک شده بر حسب جنسیت پاسخ‌گویان نیز نشان می‌دهد، پسران فرصت‌های بیشتری را برای مشارکت در رفتارهای انحرافی دارا هستند.

توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان شرکت در رفتارهای انحرافی

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۳، تقلب متداول‌ترین رفتار انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه ارومیه است. پس از تقلب، به ترتیب کجروی‌های جنسی، دزدی، مصرف مواد (مخدر) و مصرف مشروبات الکلی بیشترین میزان رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان می‌باشد. داده‌های تفکیک شده جنسیتی جدول مذکور نیز نشان می‌دهد، میانگین رفتارهای انحرافی پسران در همه‌ی ابعاد پنج‌گانه، بالاتر از دختران می‌باشد. با این حال، شکاف مشارکت در ابعاد رفتارهای انحرافی دو جنس با هم‌دیگر یکسان و برابر نمی‌باشد.

جدول شماره (۳): میانگین ابعاد و مجموع رفتارهای انحرافی

| جنسیت | میانگین مردان | میانگین زنان | میانگین کل |
|------------------------|---------------|--------------|------------|
| تقلب | ۲۷/۲۰ | ۱۸/۰۳ | ۲۲/۴۶ |
| دزدی | ۱۴/۵۳ | ۵/۷۶ | ۱۰/۰۰ |
| مصرف مواد (مخدر) | ۱۴/۲۲ | ۱/۰۹ | ۷/۴۴ |
| مصرف مشروبات الکلی | ۴/۴۳ | ۰/۶۹ | ۲/۵۰ |
| کجروی‌های جنسیتی | ۲۳/۲۸ | ۷/۳۸ | ۱۵/۰۶ |
| مجموع رفتارهای انحرافی | ۸۲/۶۶ | ۳۲/۹۵ | ۵۷/۴۶ |

به‌عنوان مثال، میزان مصرف مواد (مخدر) پسران بیش از ۱۳ برابر مصرف مواد دختران گزارش شده است یا این‌که پسران ۶ برابر بیش‌تر از دختران، مشروبات الکلی مصرف نموده‌اند. علاوه بر آن، پسران ۳ برابر بیش از دختران مرتکب کجروی‌های جنسی شده‌اند. میانگین مجموع رفتارهای انحرافی پسران ۲/۵ برابر کل رفتارهای انحرافی پاسخ‌گویان دختر است.

یافته‌های تحلیلی

آزمون مقایسه میانگین خود-کنترلی، فرصت انحرافی و رفتارهای انحرافی بر حسب جنسیت در این تحقیق، برای بررسی تفاوت میانگین سه متغیر خود-کنترلی، فرصت انحرافی و رفتارهای انحرافی بر حسب جنسیت پاسخ‌گویان از آزمون مقایسه میانگین^۱ استفاده شده است.

جدول شماره (۴): مقایسه میانگین خود-کنترلی، فرصت انحرافی و رفتارهای انحرافی بر حسب جنسیت پاسخ‌گویان

| متغیر | مقوله | میانگین | انحراف معیار | T | درجه آزادی | سطح معنی‌داری Sig | آزمون تفاوت‌های درونی | |
|------------------|-------|---------|--------------|-------|------------|-------------------|-----------------------|-------|
| | | | | | | | پایین | بالا |
| خود-کنترلی | پسر | ۳۹/۹۲ | ۷/۹۱ | -۱/۰۷ | ۴۱۸ | ۰/۶۲۸ | ۰/۲۳ | -۲/۴۰ |
| | دختر | ۴۰/۷۶ | ۸/۲۵ | | | | | |
| فرصت‌های انحرافی | پسر | ۱/۰۲ | ۳۹/۶۸ | ۱۲/۴۰ | ۴۱۸ | ۰/۰۰۳ | ۹/۰۶ | ۳۶/۱۶ |
| | دختر | ۵۹/۴۷ | ۳۱/۰۸ | | | | | |
| رفتارهای انحرافی | پسر | ۸۳/۶۶ | ۶۹/۷۷ | ۹/۳۸ | ۴۱۸ | ۰/۰۰۰ | ۵۱/۶۰ | ۵/۴۱ |
| | دختر | ۳۲/۹۵ | ۳۷/۱۵ | | | | | |

بر اساس داده‌های جدول شماره ۴، میانگین نمرات خود-کنترلی دختران و پسران تفاوت معنی‌داری با هم‌دیگر نداشته است. این درحالی است که میزان دسترسی به فرصت‌های انحرافی و مشارکت در رفتارهای انحرافی بین دو جنس با هم‌دیگر اختلاف معنی‌داری دارد. در این میان، میانگین نمرات پسران هم در فرصت‌های انحرافی و هم در مشارکت در رفتارهای انحرافی بالاتر از میانگین دختران می‌باشد.

تحلیل‌های رگرسیون چند متغیره برای تبیین رفتارهای انحرافی و ابعاد آن

در این تحقیق برای تعیین اثر متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیره جبری^۲ استفاده شده است، نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، اگرچه متغیر خود-کنترلی به‌طور معنادار و قوی با همه‌ی اشکال رفتارهای انحرافی و به تبع آن کل رفتارهای انحرافی در ارتباط می‌باشد، به‌غیر از ابعاد شتاب‌زدگی و ابراز خشم این متغیر، هیچ‌کدام از ابعاد شش‌گانه‌ی خود-کنترلی، نه با ابعاد رفتارهای انحرافی و نه با مجموع

^۱. T-Test

^۲. Enter

خود-کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی ۱۹

رفتارهای انحرافی رابطه‌ی معناداری نداشته است. در این میان، دو بعد شتاب‌زدگی (در تبیین دزدی) و ابراز خشم (در تبیین تقلب و مجموع رفتارهای انحرافی) با سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ مؤثر می‌باشد. متغیر فرصت انحرافی هم در سه بعد تقلب، مصرف مشروبات الکلی و کجروی‌های جنسی و هم با مجموع رفتارهای انحرافی رابطه‌ای مستقیم و مثبت دارد. در میان ابعاد فرصت‌های انحرافی، بعد واقعی این متغیر، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی ابعاد و مجموع رفتارهای انحرافی بوده است. متغیر جنسیت با مجموع رفتارهای انحرافی رابطه‌ای معکوس و منفی دارد، به این معنا که پسران بیش‌تر از دختران در رفتارهای انحرافی مشارکت داشته‌اند. در رابطه با ابعاد رفتارهای انحرافی، متغیر جنسیت فقط به‌غیر از بعد مصرف مشروبات الکلی، با چهار بعد دیگر در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۰۱ از ارتباطی معنی‌دار برخوردار می‌باشد.

در میان سه متغیر مستقل اصلی این تحقیق، متغیر خود-کنترلی با ضریب بتای ۳۱ - درصد، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده و متغیر فرصت انحرافی با ضریب بتای ۲۰ درصد ضعیف‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتارهای انحرافی پاسخ‌گویان بوده است. این در حالی می‌باشد که متغیر جنسیت با ضریب بتای ۳۰ - درصد، تأثیر متوسطی را نسبت به دو متغیر دیگر این تحقیق در تبیین رفتارهای انحرافی داشته است. ضریب تعیین این مدل نیز معادل ۳۰ محاسبه شده، بدین معنا که سه متغیر خود-کنترلی، فرصت و جنسیت ۳۰ درصد از تغییرات رفتارهای انحرافی را توضیح می‌دهند. باقی مانده تغییرات مربوط به عوامل دیگری است که خارج از دامنه‌ی این سه متغیر می‌باشد.

جدول شماره (۵): آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره رفتارهای انحرافی

| متغیر وابسته: میزان رفتار انحرافی و ابعاد آن | | | | | | متغیرهای مستقل |
|--|-------------------------------|---------------------------------|-------------------------------|---------------|-----------------------|--------------------|
| ضریب‌های استاندارد شده β | | | | | | |
| مدل ۶: رفتارهای انحرافی | مدل ۵: کجروی‌های جنسیتی | مدل ۴: مصرف مشروبات الکلی | مدل ۳: مصرف مواد (مخدر) | مدل ۲: زدی | مدل ۱: بعد قلب | |
| -۰/۳۰۷** | -۰/۲۵۷** | -۰/۱۳۳** | -۰/۱۵۲** | -۰/۲۴۳** | -۰/۲۲۴** ^۱ | خود-کنترلی |
| -۰/۰۸۲ | -۰/۰۴۳ | -۰/۰۶۹ | -۰/۰۳۰ | -۰/۱۱۴* | -۰/۰۲۸ | شتابزدگی |
| -۰/۰۲۱ | ۰/۰۳۵ | -۰/۰۰۴ | -۰/۰۲۵ | -۰/۰۶۴ | -۰/۰۲۴ | پشتکار |
| -۰/۰۸۳ | -۰/۰۸۹ | -۰/۰۰۳ | -۰/۰۷۶ | -۰/۰۴۳ | -۰/۰۴۶ | خطر پذیری |
| -۰/۰۰۵ | -۰/۰۵۶ | ۰/۰۲۷ | ۰/۰۵۸ | ۰/۰۰۱ | -۰/۰۲۳ | ترجیح فعالیت جسمی |
| -۰/۰۶۲ | -۰/۰۸۵ | -۰/۰۴۴ | -۰/۰۱۵ | -۰/۲۲۶ | -۰/۰۴۴ | خود محوری |
| -۰/۰۸۹* | -۰/۰۷۴ | -۰/۰۳۴ | -۰/۰۲۲ | -۰/۰۶۱ | -۰/۱۰۰* | ابراز خشم |
| -۰/۱۹۶** | ۰/۲۱۰** | ۰/۱۲۱* | ۰/۰۸۴ | ۰/۰۸۴ | -۰/۱۴۳** | فرصت‌های انحرافی |
| -۰/۰۷۴ | -۰/۰۷۳ | -۰/۰۹۶* | -۰/۱۲۲** | -۰/۰۳۶ | ۰/۰۶۷ | رسمی |
| ۰/۱۷۴** | -۰/۱۰۶* | -۰/۰۸۲ | ۰/۲۲۴** | ۰/۱۵۱** | ۰/۰۲۱ | غیر رسمی |
| ۰/۴۰۹** | ۰/۳۹۳** | ۰/۲۱۲** | ۰/۲۳۷** | ۰/۱۹۶** | ۰/۳۰۶** | واقعی |
| ۰/۰۰۳ | ۰/۰۷۱ | ۰/۰۳۶ | ۰/۰۳۹ | -۰/۰۲۸ | ۰/۰۸۹ | ادراکی |
| -۰/۳۰۰** | -۰/۲۳۴** | -۰/۰۷۱ | -۰/۳۱۱** | -۰/۱۸۹** | -۰/۱۶۸** | جنسیت ^۲ |
| ۰/۳۰۴ | ۰/۲۲۳ | ۰/۰۵۱ | ۰/۱۶۲ | ۰/۱۲۷ | ۰/۱۳۴ | ۱ |
| ۰/۳۸۸ | ۰/۳۰۵ | ۰/۱۰۳ | ۰/۲۱۰ | ۰/۱۶۳ | ۰/۱۷۸ | ۲ |
| ۶۰/۵۵۲ | ۴۲/۰۸۶ | ۷/۳۹۵ | ۲۶/۷۱۷ | ۲۰/۱۰۹ | ۲۱/۴۵۳ | ۱ |
| ۲۵/۹۰۸ | ۱۷/۹۲۰ | ۴/۶۹۰ | ۱۰/۸۴۹ | ۷/۹۴۵ | ۸/۸۵۰ | ۲ |
| | | | | | | F Value |

^۱ * به معنای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، و ** به معنای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد.

^۲ در این جدول متغیر جنسیت فقط همراه با کل متغیرهای مستقل وارد معادله رگرسیونی شده است، به عبارتی همراه با ابعاد متغیرهای خود-کنترلی پایین و فرصت انحرافی وارد معادله نشده است.

^۳ در R^2 و F Value، عدد ۱ به معنای مقدار محاسبه شده برای کل متغیرهای مستقل می‌باشد و عدد ۲ به معنی مقدار محاسبه شده برای ابعاد متغیرهای مستقل می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های سه متغیر اصلی تحقیق بر حسب جنسیت پاسخ‌گویان نشان می‌دهد در حالی که میزان فرصت‌های انحرافی و رفتارهای انحرافی دو جنس با هم‌دیگر اختلاف معنی‌داری دارد، میزان خود-کنترلی پسران و دختران تفاوت معناداری با هم‌دیگر نداشته است. این یافته مطابق با تحقیق چاپل^۱ و همکارانش (۲۰۱۰) می‌باشد. به اعتقاد گات‌فردسن و هیرشی توان افراد برای خویشتن‌داری خویش در موقعیت‌های انحرافی، علاوه بر تربیت خانوادگی، متأثر از سطوح پیوند اجتماعی می‌باشد (بوفارد و رایس^۲، ۲۰۱۱: ۱۳۸). پیوندهای اجتماعی که دربرگیرنده تعاملات اجتماعی روزمره و اجتماعی شدن به واسطه نهادهای اجتماعی گوناگون است، موجب افزایش خود-کنترلی افراد می‌شود. از آنجایی که دانشجویان دختر و پسر به‌علت این که مسیر زندگی فردی و اجتماعی تقریباً یکسانی به نسبت سایر اقشار اجتماعی در طول زندگی‌شان سپری می‌کنند، از فرآیندهای اجتماعی شدن مشابه - از طریق نهادهای هم‌چون خانواده و دانشگاه - برخوردار می‌شوند. این فرآیندهای اجتماعی توانسته‌اند میزان خویشتن‌داری تقریباً یکسان و برابری را برای رفتارهای دو جنس در برابر موقعیت‌های گوناگون به‌همراه داشته باشد.

معنادار بودن اختلاف میانگین پسران و دختران در دسترسی به فرصت‌های انحرافی بدین دلیل که میزان خود-کنترلی مردان و زنان تفاوت معنی‌داری از هم‌دیگر نداشته، جالب توجه است. به نظر می‌رسد که فرصت انحرافی، بیش‌تر در قلمرو کنترل بیرونی به حساب می‌آید تا کنترل درونی. به این معنی که الگوها و نقش‌های متفاوت جنسیتی موجود در جامعه علت اصلی این پدیده می‌باشد. فرآیندهای اجتماعی شدن جنسیتی، علاوه بر مجراهایی همانند هنجارهای اجتماعی، کنترل اجتماعی و نظایر آن، از طریق نقش‌های قانونی از پیش تعیین‌شده و فعالیت‌های روزمره، زنان را از دستیابی به فرصت مجرمانه - که به نوبه‌ی خود موجب محدودیت مشارکت زنان در جرم می‌شود - جلوگیری به‌عمل می‌آورد (استفنسمیر و آلان^۳، ۱۹۹۶: ۴۷۸). نتیجه دسترسی‌های متفاوت به فرصت‌های منحرفانه، نرخ‌های گوناگون مشارکت در رفتارهای انحرافی می‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه گردید، سطح مشارکت در رفتارهای انحرافی مردان به‌طور معنی‌داری بالاتر از زنان بوده است. این یافته در راستای اکثر یافته‌های پژوهش‌های جرم‌شناختی می‌باشد.

1. Chapple

2. Bouffard & Rice

3. Steffensmeier & Allan

فرضیه‌ای که مبین ارتباط معکوس و معنادار بین میزان خود-کنترلی و رفتارهای انحرافی بوده، تأیید شد. این یافته مطابق با پژوهش‌های تجربی جالایی‌پور و حسینی نثار (۱۳۸۷) در ایران، آرنکلو و همکاران^۱ (۱۹۹۳)، گیبس و گی‌یور^۲ (۱۹۹۵)، لانگ‌شور (۱۹۹۸) و دیلیسی و همکارانش (۲۰۱۰) بوده است که نشان داده‌اند، خود-کنترلی پایین علت مشارکت در رفتارهای انحرافی می‌باشد. مطابق با تئوری عمومی جرم، افراد دارای خود-کنترلی پایین در مقابل لحظات اغواء و وسوسه کننده، آسیب‌پذیر هستند. همچنین این افراد، به علت سرگرمی یا هیجانانگیز شده‌ی رفتارهای پرخطر، به این رفتارها گرایش پیدا می‌کنند؛ زیرا این گونه افراد، خیلی گرایش به فهم جرم به‌عنوان یک چیز مفید و با ارزش دارند، چرا که بسیاری از اشکال جرم (مانند سرقت)، جایگزینی را برای بیشتر ابزار و وسایل مرسوم و مشروع رسیدن به منابع، ارائه می‌دهند (گات‌فردسن و هیرشی، ۱۹۹۰؛ نی‌گین و پاترنوستر^۳، ۱۹۹۳). در کنار خصوصیات هم‌چون رضایت‌بخشی آنی، سادگی، راحتی و هیجان جرم بر حسب ادراکات افراد فاقد خویشتن‌داری، این افراد شتاب‌زده، خود-محور، طالب کارهای جسمانی، ماجراجو و کوتاه بین هستند. به خاطر این ویژگی‌ها است که جرم برای افرادی که توانایی مهار کردن خودشان را ندارند، جذاب و فریبا می‌باشد. بدین ترتیب، افراد دارای خود-کنترلی پایین گرایش به در نظر گرفتن لذات آنی جرم دارند و همیشه عواقب بالقوه بلند مدت انحراف را نمی‌توانند محاسبه کنند. گات‌فردسن و هیرشی بدین خاطر که والدین به شدت می‌توانند جهت هم‌نوا سازی فرزندان‌شان از طریق نظارت، ایجاد پیوندهای عاطفی و ارتباط با آنان، تأثیرگذار باشند، بر «خانواده» به عنوان تعیین‌کننده اساسی خود-کنترلی تأکید می‌کنند.

همچنین، فرضیه‌ای که رابطه مستقیم و معناداری را بین میزان فرصت انحرافی و رفتارهای انحرافی پیش‌بینی کرده بود، نیز تأیید شد. تئوری عمومی جرم علاوه بر تأکید بر خود-کنترلی، بر فرصت‌های انحرافی نیز تمرکز دارد. به این معنی که خود-کنترلی پایین برای ارتکاب جرم شرط لازم و شرط غیر کافی می‌باشد. از این‌رو، فرصت‌های منحرفانه متفاوت و گوناگون در پیش‌روی فرد منحرف - که موجب ارتکاب وی به رفتارهای انحرافی می‌شود - دلیلی برای تنوع مشارکت در انحرافات اجتماعی محسوب می‌شود. به همین خاطر، این نظریه عنوان می‌کند که افراد دارای خود-کنترلی پایین در رویارویی با فرصت انحرافی دست به رفتارهای منحرفانه می‌زنند. به اعتقاد گات‌فردسن و هیرشی، تربیت خانوادگی غیرکارآمد والدین

1. Arneklev

2. Gibbs & Giever

3. Nagin & Paternoster

خود-کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی ۲۳

علاوه بر شکل‌دهی خود-کنترلی پایین در فرد، موجب فقدان یا کاهش نظارت‌های خانواده بر رفتارهای فرزندان نیز می‌شود. نتیجه این امر رویارویی بیشتر این افراد با فرصت‌های انحرافی و شرکت بیشتر در رفتارهای انحرافی می‌باشد. به‌طور کلی، افراد دارای خود-کنترلی پایین، بدون توجه به اهداف بلند-مدت‌شان در برخورد با فرصت‌های مجرمانه یا لحظات بالقوه لذت بخش، لجام گسیخته و بی‌قید و بند می‌شوند (گیس و گی‌یور، ۱۹۹۵؛ گراسمیک و همکاران، ۱۹۹۳؛ نی‌گین و پاترنوستر، ۱۹۹۳). چرا که این فرصت‌ها، لذا و منافع متناسب با انتظارات افراد منحرف از رفتارهای انحرافی را برای آنان به‌بار می‌آورد. این یافته در راستای تحقیق لانگ‌شور (۱۹۹۸) می‌باشد که نشان داده است، افزایش میزان فرصت‌های انحرافی موجب مشارکت بیشتر در رفتارهای انحرافی افراد می‌شود. نتایج حاصل از ارتباط بین ابعاد متغیر فرصت‌های انحرافی با ابعاد و مجموع رفتارهای انحرافی نیز نشان می‌دهد که از بین ابعاد چهارگانه فرصت انحرافی، به غیر از بعد فرصت ادراکی، سه بعد رسمی، غیر رسمی و واقعی با درجات گوناگون با متغیر وابسته و برخی از ابعاد پنج‌گانه آن دارای رابطه‌ی معنادار می‌باشد. در میان این سه بعد فرصت انحرافی، بعد فرصت‌های واقعی همواره از شدت ارتباط و سطح معنی‌داری بالاتری نسبت به دو بعد دیگر برخوردار بوده است. شاید دلیل این امر را بتوان به نظام شناختی افراد نسبت داد که توانایی ملاحظه عوامل دیگری به‌غیر از عوامل حاضر و موجود در موقعیت‌های پیش‌رو را ندارد و بیشتر بر حسب کنش‌ها و فعالیت‌های عادی‌ای که عمدتاً جنبه‌ای عینی دارند، محاسبات و تصمیم‌گیری برای انجام یک رفتار را برای فرد شکل می‌دهند. اهمیت این موضوع وقتی مضاعف می‌شود که بعد ادراکی یا همان ارزیابی‌های ذهنی فرد از موقعیت‌های گوناگون با هیچ‌یک از ابعاد پنج‌گانه رفتارهای انحرافی و همچنین با مجموع این‌گونه از رفتارها، پیوند معنی‌داری نداشته است. بدین معنا که توان محاسبه و پردازش منحرفین اجتماعی بیشتر منوط به فعالیت‌های روزمره و عینی می‌باشد، تا جنبه‌های ذهنی و انتزاعی.

منابع

- جلایی‌پور، حمیدرضا و مجید حسینی‌نثار (۱۳۸۷) عوامل اجتماعی مؤثر بر بزه‌کاری نوجوانان در رشت، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی: ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی، نیمه دوم، ۱۰۲-۷۷.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، مؤسسه کیهان.

سراج‌زاده، سید حسین و محمدرضا پویافر (۱۳۸۸) دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس انومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان، مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۶۳): ۱۰۵-۷۱.

علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۸) اثر بخشی برنامه‌های معنادان گمنام در نگرش معنادان به مواد مخدر، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۳(۳) (پیاپی ۷): ۱۷۷-۱۴۴.

علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی کارتن خوابی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

ویلیامز، فرانک پی و ماری‌لین‌دی مک‌شین (۱۳۸۳) نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران، نشر میزان.

Arneklev, B., Grasmick, H.; Tittle, C.; & Bursik, R. (1993) Low Self- Control and Imprudent Behavior. *Journal of Quantitative Criminology*, 9, 225-247.

Booth, J. A., & Farrell, A., & Varano, S. P. (2008) Social Control, Serious Delinquency, and Risky Behavior: A Gendered Analysis, *Crime & Delinquency*, 54(3), 423-456.

Bouffard, J. A., Rice, S. K. (2011) The Influence of the Social Bond on Self-Control at the Moment of Decision: Testing Hirschi's Redefinition of Self-Control. *American Journal of Criminal Justice*, 36, 138-157.

Burton J.r, V. S., & et al. (1998) Gender, Self-Control, and Crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 35(2), 123-147.

Cernkovich, S. A., & Giordano, P. G. (1979) A Comparative Analysis of Male and Female Delinquency. *Sociological Quarterly*, 20, 131-145.

Chapple, C. L., & Johnson, K. A. (2007) Gender Differences in Impulsivity. *Youth Violence and Juvenile Justice*, 5(3), 221-234.

Chapple, C. L., Vaske, J., Hope, T. L. (2010) Sex Differences In the Causes of Self-Control: An Examination of Mediation, Moderation, and Gendered Etiologies. *Journal of Criminal Justice*, 38, 1122-1131.

Colnerud, G., Rosander, M. (2009) Academic dishonesty, Ethical Norms and Learning. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 34(5), 505-517.

Daigle, L. E., Cullen, F.T., & Wright, J. P. (2007) Gender Differences in the Predictors of Juvenile Delinquency: Assessing the Generality-Specificity Debate. *Youth Violence and Juvenile Justice*, 5(3), 254-286.

Davy, J. A., & et al. (2007) An Examination of the Role of Attitudinal Characteristics and Motivation on the Cheating Behavior of Business Students. *Ethics & Behavior*, 17(3), 281-302.

Delisi, M., et al. (2010) Personality, Gender, and Self-Control Theory Revisited: Results From a Sample of Institutionalized Juvenile Delinquents. *Applied Psychology in Criminal Justice*, 6(1), 31-46.

Deng, X. (1994) Toward A More Comprehensive of Crime: An Integrated Model of Self-Control And Rational Choice Theories. P.H.D Thesis, USA: University of New York.

Gerson, K. (1985) Hard choices: How Women Decide About Work, Career, and Motherhood. Cambridge, UK: Harvard University Press.

- Gibbs, J., & Giever, D.** (1995) Self-Control and its Manifestations among University Student: An Empirical Test of Gottfredson and Hirschi's General Theory. *Justice Quarterly*, 12, 231-255.
- Gottfredson, M. R. , & Hirschi, T.** (2003) Self-Control and Opportunity. In C. Britt & M. Gottfredson (Eds.), *Control Theories of Crime and Delinquency*. New Brunswick, NJ: Transaction, 5-21.
- Gottfredson, M. R., & Hirschi, T.** (1990) *A general theory of crime*. Stanford: Stanford University Press.
- Grasmick, H.,& Tittle, C .,& Bursick, R., & Arneklev, B.** (1993) Testing the Core Implications of Gottfredson and Hirschi's General Theory of Crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 30, 5-22.
- Harding, T. S., & et al.** (2007) The Theory of Planned Behavior as a Model of Academic Dishonesty in Engineering and Humanities Undergraduates. *Ethics & Behavior*, 17(3), 255-279.
- Helgott, J.** (2008) *Criminal Behavior: Theories, Typologies, and Criminal Justice*. USA: Sage Publication.
- Higgins, G. E. & Ricketts, M. L.** (2004) Motivation or Opportunity: Which Serves as the Best Mediator in Self-Control Theory ?*Western Criminology Review*, 5(2), 77-96.
- Higgins, G. E. & Tewksbury, R.** (2006) Sex and Self-Control Theory: The Measures and Causal Model May Be Different. *Youth & Society*, 37(4).479-503.
- Klein, H. A., & et al.** (2007) Cheating During the College Years: How do Business School Students Compare? *Business Ethics*, 72, 197-206.
- Longshore, D.** (1998) Self-Control and Criminal Opportunity: a Prospective Test of the General Theory of Crime. *Social Problems*, 45(1), 102-113.
- Megehee, C. M., & Spake, D. F.** (2008) The impact of Perceived Peer Behavior, Probable Detection and Punishment Severity on Student Cheating Behavior. *Marketing Education Review*, 18(2), 5-19.
- Nagin, D. S., & Paternoster, R.** (1993) Enduring Individual Differences and Rational Choice Theory of Crime. *Law & Society Review*, 27(3), 467- 496.
- Nakhaie. Reza , & Silverman, R. A., & LaGrange, T. C.** (2000) Self-Control and Social Control: An Examination of Gender, Ethnicity, Class and Delinquency. *Canadian Journal of Sociology*, 25(1), 35-59.
- Nofziger, S.** (2010) A Gendered Perspective on the Relationship Between Self-Control and Deviance, *Feminist Criminology*. 5(1). 29-50.
- Nonis, S. A., & Owens Swift, C.** (1998) Deterring Cheating Behavior in the Marketing Classroom: An Analysis of the Effects of Demographics Attitudes, and In-Class Deterrent Strategies. *Marketing Education*, 20(3), 188-199.
- Passow, H. J., & et al.** (2006) Factors Influencing Engineering Students' Decisions to Cheat by Type of Assessment. *Research in Higher Education*, 47(6), 643-684.

- Piquero, N. L. & et al.** (2005) The Influence of Delinquent Peers on Delinquency: Does Gender Matter? *Youth & Society*, 36(3). 251-275.
- Rawwas, M. Y. A., & Al-Khatib, J. A., & Vitell, S. J.** (2004) Academic Dishonesty: A Cross-Cultural Comparison of U.S. and Chinese Marketing Students. *Marketing Education*, 26(1), 89-100.
- Steffensmeier, D., & Allan, E.** (1996) Gender and crime: Toward a Gendered Theory of Female Offending. *Annual Review of Sociology*, 22, 459-487.
- Tittle, C. R., Ward, D. A. & Grasmick, H. G.** (2003) Gender, Age, and Crime/Deviance: A Challenge to Self-Control Theory. *Journal of Research In Crime And Delinquency*, 40(4), 426-453.
- Vazsonyi, A. T., & Belliston, L. M.** (2007) Self Control Theory. *Criminal Justice and Behavior*, 34(4), 505-530.
- Vazsonyi, A. T., Pickering, L. E., Junger, M., & Hessing, D.** (2001) An Empirical Test of the General Theory of Crime: A Fournation Comparative.
- Vito, G. F., & Maahs, J. R., & Holmes, R. M.** (2007) *Criminology: Theory, Research, and Policy*. Canada: Jones and Bartlett Publishers.
- Walsh, A., & Hemmens, C.** (2008) *Introduction to Criminology: A Text/Reader*. USA: Sage Publications.
- Weitzer, R.** (2002) *Deviance and Social Control: A Reader*. New York: McGraw-Hill Higher Education.
- Wikstrom, p. O. H., & Butter worth, D. A.** (2006) *Adolescent Crime: Individual Differences and Life Styles*, UK: London, Willan Publishing.
- Yardley, J., & Domenech Rodríguez, M., & Bates, S. C.** (2009) True Confessions?: Alumni's Retrospective Reports on Undergraduate Cheating Behaviors. *Ethics & Behavior*, 19(1), 1-14.